



تولدت مبارک آقای رئیس جمهور

سه‌شنبه ۰۷ مهر ۱۴۰۵
۱۷ ربیع الثانی ۱۴۴۸
۲۹ سپتامبر ۲۰۲۶
۴ صفحه
شماره ۱۳۱

یادداشت

اثر انتظارات سیاست بر بازار ارز



حسن حیدری
اقتصاددان

بازار ارز در روزهای اخیر بار دیگر تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل قرار گرفته که بخش مهمی از آنها نه در تغییرات بالفعل متغیرهای بنیادی، بلکه در برداشت و انتظارات فعالان اقتصادی از آینده ریشه دارد. در چند روز گذشته تغییر محسوسی در بسیاری از متغیرهای بنیادی اقتصاد رخ نداده است، اما ریسک‌هایی که مردم و فعالان اقتصادی احساس می‌کنند، افزایش یافته و همین موضوع می‌تواند انتظارات تورمی را تغییر دهد.

بازارها معمولاً پیش از آنکه یک تغییر اقتصادی به‌طور کامل در آمارها ظاهر شود، به انتظار وقوع آن واکنش نشان می‌دهند. به همین دلیل، نباید نوسانات اخیر نرخ ارز را صرفاً با متغیرهایی که امروز در اقتصاد مشاهده می‌کنیم توضیح داد. احتمال مذاکره یا عدم مذاکره، تحولات سیاسی و امنیتی، بحث‌های مربوط به محاصره، جنگ و احتمال درگیری، همگی می‌توانند انتظارات را تغییر دهند و این تغییر انتظارات در بازار ارز خود را نشان دهد.

به نظر می‌رسد بخشی از افزایش اخیر نرخ ارز نیز تحت تأثیر کاهش احتمال شکل‌گیری یا موفقیت مذاکرات قرار گرفته است. البته این به معنای آن نیست که عوامل سیاسی تعیین‌کننده مسیر بلندمدت نرخ ارز هستند. روند بلندمدت نرخ ارز را متغیرهای بنیادی اقتصاد تعیین می‌کنند، اما اتفاقات سیاسی می‌توانند نوسانات قابل توجهی را حول این روند ایجاد کنند.

با این حال، نمی‌توان اثر تحولات سیاسی را صرفاً به «انتظارات» محدود کرد. برخی تحولات سیاسی و امنیتی، در صورت تداوم، می‌توانند مستقیماً بر متغیرهای بنیادی نیز اثر بگذارند. برای نمونه، محدودیت در تجارت خارجی، اختلال در صادرات و واردات، کاهش درآمدهای نفتی یا محدودشدن ورود ارز به کشور، در نهایت می‌تواند عرضه ارز را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، یک ریسک سیاسی ممکن است ابتدا از مسیر انتظارات وارد بازار شود و در صورت تحقق، بعداً به یک متغیر بنیادی تبدیل شود. بخشی از ریسک‌هایی که امروز بازار ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهد، خارج از اختیار بانک مرکزی است، اما سیاست‌گذار پولی همچنان ابزارهایی برای مدیریت شرایط در اختیار دارد. یکی از این ابزارها نرخ سود است.



پاسخ کارشناسان به سؤال روز؛ چرا بازار ارز پر نوسان شد؟

دلار در تله هیجان و تنش

مستقیماً بر انتظارات فعالان اقتصادی و به دنبال آن بر نرخ اثر می‌گذارد. او تأکید می‌کند که در شرایط فعلی نمی‌توان تمام نوسانات نرخ ارز را صرفاً با عرضه و تقاضای عادی بازار توضیح داد. به گفته توکلی، زمانی که یک تحول سیاسی یا امنیتی نگرانی نسبت به آینده را افزایش می‌دهد، این نگرانی ابتدا به انتظارات منتقل می‌شود و سپس بخشی از افراد برای حفظ ارزش دارایی خود به سمت خرید ارز حرکت می‌کنند.

به این ترتیب، یک خبر یا تحول سیاسی می‌تواند در مرحله اول تنها یک «انتظار» ایجاد کند، اما همین انتظار در مرحله بعد به تقاضای واقعی تبدیل می‌شود. فردی که تصور می‌کند ارزش ریال در آینده کاهش خواهد یافت، برای محافظت از دارایی خود ممکن است امروز اقدام به خرید ارز کند. وقتی تعداد این افراد افزایش پیدا کند، انتظاری که در ابتدا ذهنی بوده، به یک متغیر واقعی در بازار تبدیل می‌شود. توکلی این فرآیند را از منظر اقتصاد سیاسی قابل بررسی می‌داند و معتقد است نرخ ارز در شرایط فعلی تنها انعکاسی از متغیرهای اقتصادی نیست، بلکه برداشت فعالان اقتصادی از تحولات سیاسی و امنیتی آینده نیز در آن نقش دارد.

از همین منظر، رشد اخیر دلار بیش از آنکه یک اتفاق تک‌علتی باشد، نتیجه برخورد چند متغیر با یکدیگر است؛ متغیرهایی که در کوتاه‌مدت، وزن عوامل سیاسی و انتظاری در آنها افزایش یافته است. در واقع، آنچه طی سه روز اخیر در بازار ارز رخ داده، بیش از آنکه نشانه تغییر ناگهانی همه متغیرهای بنیادی اقتصاد باشد، می‌تواند نشانه تغییر سریع برداشت بازار از آینده باشد؛ تغییری که خود را ابتدا در انتظارات و سپس در رفتار تقاضا نشان داده است.

بازار ارز به تحولات قیمت می‌دهد

مسعود توکلی، کارشناس بازار ارز، نیز معتقد است بخش قابل توجهی از نوسانات فعلی را باید در ریسک‌های سیاسی و امنیتی و تغییر انتظارات جست‌وجو کرد. او با اشاره به اینکه تحولات سیاسی و امنیتی در تمام اقتصادهای دنیا می‌تواند بازارهای مالی را در مدت کوتاهی تحت تأثیر قرار دهد، می‌گوید: «حتی انتشار یک خبر سیاسی یا امنیتی می‌تواند موجب نوسانات قابل توجه در قیمت دارایی‌ها شود.»

از نگاه توکلی، اقتصاد ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و تجربه سال‌های گذشته نشان داده که اخبار مربوط به توافق‌ها، تنش‌های سیاسی و تحولات منطقه‌ای،

افزایش قیمت دلار در سه روز اخیر در شرایطی که طی این مدت تغییر بنیادینی در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی رخ نداده، نشان می‌دهد بازار ارز به مجموعه‌ای از اخبار، تحولات سیاسی و امنیتی، نگرانی‌های مربوط به آینده تجارت خارجی و مهم‌تر از همه تغییر انتظارات فعالان اقتصادی و خانوارها واکنش نشان داده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند که جهش قیمت دلار را نمی‌توان تنها با متغیرهای معمول اقتصادی توضیح داد و باید به مجموعه‌ای از عوامل غیراقتصادی توجه کرد که در شرایط پریسک می‌توانند با سرعت زیادی بر قیمت‌ها اثر بگذارند.

بازار ارز در چنین شرایطی فقط به آنچه امروز در اقتصاد اتفاق افتاده واکنش نشان نمی‌دهد، بلکه بخش مهمی از قیمت خود را بر اساس تصویری که از آینده شکل گرفته تعیین می‌کند. نگرانی درباره تحولات سیاسی، آینده مذاکرات، احتمال تشدید تنش‌های منطقه‌ای، محدودیت‌های تجاری و حمل‌ونقل، دسترسی به منابع ارزی و حتی نوع اخباری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، می‌تواند پیش از آنکه اثر واقعی خود را در آمارهای اقتصادی نشان دهد، رفتار معامله‌گران و مردم را تغییر دهد.

۱۱ رئیس شعب بانکی عزل شدند

ماهیت، هدف و میزان فعالیت مشتری و پایش مستمر مشتری بر اساس سطح فعالیت مورد انتظار و تطابق تراکنشهای مشتری با اطلاعات اخذشده از ایشان، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ضمن هشدار نسبت به هرگونه تخطی از الزامات و مقررات ابلاغی، اعلام می‌کند که با تشدید و گسترش فعالیت‌های نظارتی، اقدامات انضباطی آتی با جدیت بیشتر و در سطح تمام واحدهای موسسات اعتباری (صف، ستاد، مدیران و ...) پیگیری و اعمال خواهد شد.

پیرو صدور دستور اقدام انضباطی بازدارنده برای ۱۱ رئیس شعبه بانک که با عدم انجام تکالیف قانونی، زمینه لازم برای سواستفاده برخی افراد در بازار ارز و طلا را فراهم کرده بودند، حکم عزل این روسای شعب از مسئولیت، صادر و انجام اقدامات اصلاحی و انضباطی برای بانک های متبوع در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفت. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، با عنایت به تکالیف قانونی موسسات اعتباری در موضوعات مرتبط با شناسایی مشتریان ازجمله شناخت

صادق و شجاع برای ایران

تولدت مبارک آقای رئیس جمهور



هفتم مهرماه، زادروز دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، فرصتی است برای یادآوری مسئولیتی که فراتر از هر عنوان، جایگاه و منصبی، بر دوش یک انسان قرار می‌گیرد؛ مسئولیت خدمت به مردم و امانتداری در برابر سرنوشت یک ملت.

ریاست‌جمهوری تنها نشستن بر یک صندلی و اداره یک مجموعه بزرگ اجرایی نیست؛ آزمونی دشوار از تدبیر، اخلاق، شجاعت در تصمیم‌گیری، شنیدن صدای جامعه و ایستادن در کنار مردم در روزهای سخت است. شاید بتوان ارزش واقعی یک مسئولیت بزرگ را نه در روزهای آرام، بلکه در بزنگاه‌هایی سنجید که کشور با دشواری‌های پیچیده و تصمیم‌های سرنوشت‌ساز روبه‌رو می‌شود.

دکتر پزشکیان در شرایطی مسئولیت اداره کشور را بر عهده گرفت که ایران با مجموعه‌ای از مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مواجه بود. فشارهای اقتصادی، ضرورت اصلاحات ساختاری، مسائل معیشتی و مطالبات انباشته جامعه، تنها بخشی از چالش‌هایی بود که دولت چهاردهم با آن روبه‌رو شد. در کنار این مسائل، تحولات پرشتاب منطقه‌ای و درگیری‌های سنگین و کم‌سابقه، بر پیچیدگی شرایط کشور افزود و تصمیم‌گیری را برای دولت دشوارتر کرد.

در چنین شرایطی، هر تصمیم دولت تنها یک تصمیم اداری یا اقتصادی نیست؛ تصمیمی است که می‌تواند بر زندگی میلیون‌ها ایرانی اثر بگذارد. از همین رو، اداره کشور در روزهای سخت، بیش از هر زمان دیگری به آرامش، تدبیر، مسئولیت‌پذیری و توجه به منافع عمومی نیاز دارد. مردم نیز در چنین مقاطعی بیش از هر چیز از مسئولان خود ثبات، امید، صداقت و تلاش برای عبور از دشواری‌ها را انتظار دارند.

زادروز رئیس‌جمهور، بنابراین، تنها یک مناسبت تقویمی نیست؛ می‌تواند بهانه‌ای برای یادآوری همین مسئولیت بزرگ باشد. مسئولیتی که در نهایت باید در برابر ایران، مردم ایران و آینده این سرزمین پاسخگو باشد. مرد روزهای سخت، کسی است که در دشوارترین مقاطع، بار مسئولیت را بر زمین نگذارد و برای عبور کشور از بحران‌ها، راهی برای امید، ثبات و ساختن فردا پیدا کند.

امید آنکه ادامه این مسیر، با تصمیم‌هایی همراه باشد که زمینه‌ساز آینده‌ای آرام‌تر، آبادتر و امیدوارکننده‌تر برای ایران و ایرانیان شود؛ آینده‌ای که در آن فرصت‌های بیشتری برای پیشرفت، همدلی، رفاه و ساختن فردایی شایسته این سرزمین فراهم باشد.

برای دکتر مسعود پزشکیان، در سالروز زادروز، سلامتی، توفیق، سربلندی و توان مضاعف برای خدمت به مردم ایران آرزو داریم.

زادروزتان مبارک، آقای رئیس‌جمهور.

باشد که حاصل این مسیر، ایرانی آرام‌تر، آبادتر و امیدوارتر برای همه ایرانیان باشد.

ادامه خبر از صفحه یک او همچنین بر توسعه ابزارهای مالی برای مدیریت تقاضای ارزی تأکید دارد و معتقد است همان‌گونه که در بازار طلا ابزارهایی برای سرمایه‌گذاری غیرمستقیم ایجاد شده، توسعه ابزارهای مالی ارزی نیز می‌تواند به افرادی که دغدغه حفظ ارزش دارایی خود را دارند امکان دهد بدون ورود مستقیم به بازار ارز فیزیکی، ریسک خود را مدیریت کنند.

رشد دلار با چاشنی هیجان

رحمان سعادت، اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه سمنان، نیز معتقد است برای توضیح افزایش اخیر نرخ ارز باید میان اثر عوامل واقعی اقتصاد و اثر هیجانات بازار تفاوت قائل شد. او می‌گوید: «بخشی از رشد اخیر نرخ ارز واقعی است، اما بخشی از آن نیز ناشی از هیجانات بازار است.»

سعادت در عین حال نقش شبکه‌های اجتماعی را در شکل‌گیری این انتظارات مهم می‌داند. به گفته او، امروز شبکه‌های اجتماعی ضرب نفوذ بسیار بالایی دارند و بخش قابل توجهی از مردم اخبار اقتصادی خود را از همین مسیر دریافت می‌کنند. او هشدار می‌دهد که در این فضا، اعداد و نرخ‌های مختلف گاهی بدون مبنای مشخص منتشر می‌شوند و همین موضوع می‌تواند به تشدید هیجانات منجر شود.

سعادت می‌گوید بخشی از کاربران شبکه‌های اجتماعی تجربه تاریخی کافی از بازار ارز ندارند و ممکن است با مشاهده یک عدد جدید یا خبری درباره افزایش شدید قیمت، بدون بررسی صحت آن واکنش نشان دهند.

به اعتقاد این اقتصاددان، گاهی حتی انتشار نرخ‌های بالاتر از واقعیت نیز با هدف جذب مخاطب و افزایش دنبال‌کننده انجام می‌شود. هرچه عدد بزرگ‌تر و خبر جنجالی‌تر باشد، احتمال توجه کاربران و مراجعه آنها به صفحه منتشرکننده بیشتر است. در نتیجه، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به حلقه‌ای تبدیل شوند که در آن «خبر»، «نگرانی»، «انتظار» و سپس «رفتار اقتصادی» یکدیگر را تقویت می‌کنند. این مسئله در بازاری مانند ارز که بخش مهمی از قیمت آن به انتظارات آینده وابسته است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

راز برخاستن دلار چیست

بهال‌الدین حسینی هاشمی، کارشناس پولی و بانکی نیز منشأ بخشی از فراز و فرودهای بازار ارز را در عوامل بیرونی و انتظارات تورمی مردم می‌داند. او معتقد است نگرانی درباره آینده درآمدهای ارزی و شرایط تجارت خارجی، در کنار حجم نقدینگی و تورم، می‌تواند بر رفتار بازار اثر بگذارد.

دلار در تله هیجان و تنش



او می‌گوید: «بخشی از التهاب فعلی بازار ارز ناشی از همین تغییر انتظارات است.» علوی‌راد توضیح می‌دهد که فعالان اقتصادی ممکن است محدودیت‌هایی را که احتمال می‌دهند در ماه‌های آینده بر تجارت خارجی یا بازار ارز ایجاد شود، از هم‌اکنون در تصمیم‌های خود لحاظ کنند. به تعبیر دیگر، بازار بخشی از آینده احتمالی را به زمان حال منتقل می‌کند. همین نکته می‌تواند توضیح دهد که چرا سرعت افزایش نرخ ارز در سه روز اخیر بیشتر از آن چیزی بوده که صرفاً با تغییر متغیرهای بنیادی اقتصاد قابل توضیح باشد.

هیجان زده نشوید

کامران سلطانی‌زاده، رئیس سابق کانون صرافان، اگرچه نقش عوامل اقتصادی و تورمی را در روند نرخ ارز پررنگ می‌داند، اما بر نقش رفتار تقاضا در تشدید نوسانات نیز تأکید دارد. او می‌گوید طی ماه‌های گذشته تمایل بخشی از مردم به خرید ارز و طلا افزایش یافته و برخی افراد برای حفظ ارزش دارایی خود، بخشی از منابع ربالی را به این دارایی‌ها تبدیل کرده‌اند.

سلطانی‌زاده درباره راهکارهای کنترل هیجانات و ایجاد ثبات بیشتر در بازار ارز گفت: در زمان تشنج بازار، مهم‌ترین اقدام افزایش عرضه است و در کنار افزایش عرضه، ایجاد آرامش در فضای سیاسی کشور نیز اهمیت دارد، زیرا تحولات سیاسی و چالش‌های منطقه‌ای موجب افزایش نااطمینانی ذهنی مردم شده و این تصور را تقویت می‌کند که روند تورم همچنان ادامه خواهد داشت. او افزود: مردم در شرایط متشنج بازار نباید وارد معاملات ارز شوند، چرا که در چنین شرایطی بخش قابل توجهی از خریداران ممکن است در اثر نوسانات قیمت متضرر شوند. سلطانی‌زاده خاطرنشان کرد: بهتر است مردم اجازه دهند بازار به شرایط باثبات‌تر و آرام‌تری برسد و پس از کاهش نوسانات تصمیم‌گیری کنند.

حسینی هاشمی درباره نقش اخبار در بازار ارز تأکید می‌کند: «اخبار، اتفاقات و حتی صحبت‌هایی می‌تواند منجر به افزایش قیمت شود.» به گفته او، اگر اخبار مثبت در بازار مخابره نشود و تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری ادامه پیدا کند، انتظارات تورمی می‌تواند تشدید شود و فشار بیشتری بر نرخ ارز وارد کند. این کارشناس پولی و بانکی همچنین معتقد است بخشی از رفتار بازار از سوی افرادی شکل می‌گیرد که مردم را به تبدیل ریال به دارایی‌های دیگر برای حفظ ارزش دارایی تشویق می‌کنند. از این منظر، کاهش ارزش پول ملی و نگرانی از آینده، خود می‌تواند تقاضا برای دارایی‌هایی مانند ارز و طلا را افزایش دهد.

او در عین حال تأکید دارد که سیاست خارجی از وضعیت بازار کالا و تجارت جدا نیست و باید شرایط به گونه‌ای مدیریت شود که تحولات داخلی و خارجی به عنوان تهدیدی برای ارزش پول ملی در ذهن فعالان اقتصادی تثبیت نشود.

التهاب موقت در بازار ارز

عباس علوی‌راد، کارشناس اقتصادی، برای تحلیل نوسانات اخیر میان عوامل میان‌مدت و بلندمدت و عوامل کوتاه‌مدت تفاوت قائل می‌شود. به گفته او، رشد نقدینگی از مهم‌ترین متغیرهای میان‌مدت و بلندمدت نرخ ارز است، اما افزایش‌های شدید و روزانه‌ای که در روزهای اخیر مشاهده شده، بیشتر تحت تأثیر عوامل کوتاه‌مدت قرار دارد. علوی‌راد در این میان، جریان ورود ارز به کشور و وضعیت تجارت خارجی را مهم می‌داند و می‌گوید اطلاعات مربوط به کاهش حجم تجارت خارجی و به‌ویژه صادرات، می‌تواند بر برداشت فعالان اقتصادی از آینده درآمدهای ارزی اثر بگذارد.

اما از نگاه او، بخش مهم‌تر ماجرا در روزهای اخیر، اثر «اطلاعات» بر «انتظارات» است.

انتظارات تورمی را تقویت کند و این چرخه دوباره به بازار ارز بازگردد.

از این رو، نوسانات اخیر را باید در چارچوب همین ارتباط میان ریسک، انتظارات و متغیرهای بنیادی اقتصاد تحلیل کرد. تا زمانی که عواملی مانند تورم، نقدینگی، کسری بودجه، محدودیت‌های درآمد ارزی و ریسک‌های سیاسی پابرجا باشند، نمی‌توان انتظار داشت نوسانات بازار ارز به‌طور کامل از میان برود. بازار ارز در کوتاه‌مدت به اخبار و انتظارات واکنش نشان می‌دهد، اما در بلندمدت از واقعیت‌های اقتصادی تبعیت می‌کند. سیاست‌گذار نیز برای کاهش نوسانات پایدار بازار، ناگزیر است هم‌زمان دو مسیر را دنبال کند: از یک سو مدیریت انتظارات و کاهش نااطمینانی و از سوی دیگر اصلاح متغیرهای بنیادی که در نهایت مسیر نرخ ارز را تعیین می‌کنند.

حفظ می‌کند، می‌تواند یک رفتار اقتصادی قابل فهم باشد. البته این رفتار در مقیاس گسترده می‌تواند خود به افزایش تقاضا و تشدید نوسانات بازار ارز منجر شود. در نهایت، نباید در تحلیل بازار ارز میان عوامل اقتصادی و سیاسی دیوار کشید. متغیرهای بنیادی مانند تورم، نقدینگی، کسری بودجه، درآمدهای نفتی و وضعیت تجارت خارجی، مسیر بلندمدت نرخ ارز را شکل می‌دهند؛ اما ریسک‌های سیاسی و امنیتی می‌توانند در کوتاه‌مدت انتظارات را تغییر دهند و دامنه نوسانات را افزایش دهند.

اگر ریسک سیاسی افزایش یابد، فعالان اقتصادی ممکن است احتمال کاهش درآمدهای ارزی یا محدودشدن تجارت خارجی را بیشتر ارزیابی کنند. همین انتظار می‌تواند تقاضای احتیاطی برای ارز را افزایش دهد. افزایش قیمت ارز نیز به نوبه خود می‌تواند

کوتاه از جهان

افزایش نرخ بهره به استرالیا رسید

بانک مرکزی استرالیا (RBA) روز سه‌شنبه نرخ بهره را ۲۵ واحد پایه افزایش داد. این رقم بالاترین سطح نرخ بهره در ۱۵ سال اخیر است.

به این ترتیب نرخ بهره فعلی در استرالیا به ۴٫۶ درصد رسید. این چهارمین افزایش نرخ بهره استرالیا در سال ۲۰۲۶ است و مجموع افزایش نرخ در سال جاری را به یک واحد درصد رسانده است.

بانک مرکزی استرالیا دلیل این تصمیم را بالا بودن همچنان تورم و تحقق برخی از ریسک‌های صعودی تورم اعلام کرد. تورم هسته در حال حاضر ۳٫۶ درصد است و بالاتر از محدوده هدف ۲ تا ۳ درصدی بانک مرکزی قرار دارد. افزایش هزینه انرژی، رشد ضعیف بهره‌وری و فشارهای هزینه‌ای شرکت‌ها از جمله نگرانی‌های اصلی بانک مرکزی استرالیا هستند.

قیمت نفت صعود کرد

قیمت نفت روز سه‌شنبه همچنان در سطوح بالای ۱۰۰ دلار باقی ماند. بهای نفت برنت با وجود افت جزئی، حدود ۱۰۵٫۰۴ دلار در هر بشکه معامله شد و نفت WTI به ۹۲٫۲۴ دلار رسید. نگرانی از اختلال عرضه در خاورمیانه و نامشخص بودن روند مذاکرات آمریکا و ایران همچنان مهم‌ترین عامل حمایت از قیمت نفت است.

در بازار طلا، هر اونس طلای نقدی با ۱۱٫۱ درصد افزایش به ۴۱۵۸٫۲۸ دلار رسید؛ با این حال، همچنان نزدیک پایین‌ترین سطح بیش از هفت هفته اخیر قرار دارد. افزایش بازده اوراق آمریکا و تقویت دلار، جذابیت طلا را کاهش داده است. مس نیز پس از افت روز گذشته، اندکی بهبود یافت و مس سه‌ماهه بورس فلزات لندن با ۰٫۳۴ درصد افزایش به ۱۴۴۶۱٫۵۰ دلار در هر تن رسید. با این حال، دلار قوی و نگرانی درباره تقاضای چین همچنان بر بازار مس فشار می‌آورد.

چین نرخ وام‌دهی را کاهش داد

چین روز سه‌شنبه مجموعه‌ای از اقدامات پولی و اعتباری را برای تقویت رشد اقتصادی و افزایش تقاضای داخلی اعلام کرد. بانک مرکزی چین در یکی از مهم‌ترین این اقدامات، نرخ تسهیلات «PSL» را ۲۵ واحد پایه کاهش داد و نرخ یک‌ساله آن را از ۱٫۷۵ درصد به ۱٫۵ درصد رساند. این تسهیلات برای تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی از جمله شبکه برق، آب، ارتباطات، رایانش و لجستیک استفاده می‌شود. پکن همچنین از اول اکتبر طرح یارانه سود وام مسکن را برای خریداران واجد شرایط خانه اول اجرا می‌کند. بر اساس این طرح، دولت سالانه یک واحد درصد از سود وام مسکن را تا پنج سال پرداخت خواهد کرد و سقف وام مشمول این یارانه یک میلیون یوان تعیین شده است.

بانک مرکزی چین همچنین سهمیه تسهیلات برای شرکت‌های خصوصی، کسب‌وکارهای کوچک و بخش فناوری را افزایش داده است. این اقدامات در شرایطی انجام می‌شود که مصرف داخلی و بازار مسکن چین همچنان با ضعف مواجه است و پکن برای دستیابی به هدف رشد اقتصادی ۴٫۵ تا ۵ درصدی به دنبال تقویت تقاضا است.

اقدامات جدید چین می‌تواند در صورت افزایش فعالیت اقتصادی، به رشد تقاضا برای مس، فلزات صنعتی و سایر کالاهای پایه نیز کمک کند.

کالبدشکافی وال استریت ژورنال از کارنامه ۲۰ ماهه کاخ سفید

تاوان بومرنگ اقتصادی ترامپ



■ ترکش‌های پنهان جنگ در سفره آمریکایی‌ها

در حالی که افکار عمومی نوسان بنزین چهار دلاری را دنبال می‌کند، وال استریت ژورنال کانون اصلی بحران تورمی را جهش بهای سوخت دیزل می‌داند. با آغاز درگیری در خاورمیانه و صعود نفت به مدار صد دلار، گرانی گازوئیل بی‌درنگ کرایه حمل و هزینه تولید مواد غذایی را بالا برد؛ وضعیتی که با فرسایشی شدن نبرد، شوک پایدار انرژی را مستقیماً به سفره خانوارها تحمیل کرده است.

کنترل انحصاری واشنگتن نیست و طرف مقابل نیز در روند آن نقشی تعیین‌کننده دارد. از سوی دیگر، تلاش ترامپ برای تحمیل سیاست‌های پولی انبساطی با نشاندن کوین وارث در رأس فدرال رزرو شکست خورد. موج تورمی سوخت و تقاضای سنگین استقراض در حوزه زیرساخت‌های هوش مصنوعی، فدرال رزرو جدید را مجبور کرد سیاست انقباضی در پیش بگیرد و نرخ بهره را بالا ببرد. به ارزیابی وال استریت ژورنال، بن‌بست کنونی فرجام تلفیق جاه‌طلبی‌های تعرفه‌ای، تنش‌های نظامی پرهزینه و دخالت سیاسی در نهاد پولی است. در شرایطی که واشنگتن فرصت اصلاح ساختار مالی را از دست داده، اکنون با کوهی از بدهی‌های سرسام‌آور در آستانه رکود قرار گرفته است؛ وضعیتی که نشان می‌دهد سیاست‌های ترامپ در عمل به بومرنگی مخرب علیه خود اقتصاد آمریکا بدل شده است.

در بازخريد اوراق بدهی نیز نتوانست مانع صعود نرخ‌ها شود. پارادوکس انضباط مالی زمانی برملا شد که ترامپ وعده بذل و بخشش نقدی پنج هزار دلاری به بزرگسالان را مطرح ساخت؛ اقدامی که نشان داد مهار کسری جایگاهی در اولویت‌های کاخ سفید ندارد.

باتلاق جنگ، بحران انرژی و تسلیم فدرال رزرو
آغاز جنگ با ایران ضربه نهایی را به ثبات قیمت‌ها زد. این نبرد به جای پایانی چند هفته‌ای، به منازعه‌ای فرسایشی بدل شد که نفت را به مدار صد دلار و بنزین را به بالای چهار دلار در هر گالن رساند. آسیب اصلی با جهش بهای سوخت دیزل به شریان‌های حیاتی آمریکا وارد شد؛ سوختی که نبض ماشین‌آلات کشاورزی، ناوگان حمل‌ونقل و شبکه توزیع مواد غذایی را تشکیل می‌دهد و گرانی آن کل سبد معیشتی را متورم ساخت. برخلاف ادعای مکرر ترامپ برای پایان منازعه پس از انتخابات، مهار این بحران در

روزنامه وال استریت ژورنال در گزارشی پرده از شکست سنگین محاسبات اقتصادی کاخ سفید برداشته و نشان می‌دهد چگونه رؤیای مهار هزینه‌ها در دوره دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، جای خود را به یک بحران تمام‌عیار داده است.

در روزهای آغازین بازگشت ترامپ به قدرت، مشاوران اقتصادی او نظریه‌ای ساده‌انگارانه را پیش کشیدند مبنی بر اینکه با ارسال سیگنال انضباط مالی به بازار اوراق قرضه، نرخ‌های بهره بلندمدت خودبه‌خود فروکش خواهند کرد و واشنگتن بی‌نیاز از تقابل با فدرال رزرو خواهد شد. اما واقعیت‌های میدانی مسیری کاملاً واژگون را رقم زدند. امروز نه تنها تورم روندی صعودی به خود گرفته، بلکه بانک مرکزی آمریکا ناچار به افزایش مجدد نرخ بهره شده و بازده اوراق قرضه ده‌ساله خزانه‌داری به بالاترین سطح خود از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۷ رسیده است.

فرضیه انضباط مالی کاخ سفید هرگز محقق نشد؛ زیرا برنامه خود ترامپ موتور اصلی فشارهای قیمتی بود. تحمیل تعرفه‌های سنگین گمرکی بهای کالاهای وارداتی را بالا برد، برافروختن آتش جنگ با ایران قیمت نفت و گازوئیل را وارد مدار صعودی کرد و سخت‌گیری‌های مهاجرتی به انقباض بازار کار انجامید. هم‌زمان، اصرار بر کاهش درآمدهای مالیاتی در کنار هزینه‌کردهای تازه و تضعیف استقلال فدرال رزرو، زنجیره تورم را تکمیل کرد. پیامد این تدابیر مستقیماً معیشت جامعه را نشانه رفت؛ نرخ وام مسکن به بالای هفت درصد جهش کرد، دستمزدها از جبران گرانی بازماند و هزینه سالانه بهره بدهی دولت فدرال با عبور از یک تریلیون دلار، حتی از بودجه نظامی کشور فراتر رفت.

توهم انضباط مالی و بن‌بست خزانه‌داری

اسکات بسنت پیش از تصدی وزارت خزانه‌داری، طرح موسوم به سه‌سه‌سه را با هدف کاهش کسری بودجه به سه درصد تولید ناخالص داخلی، رشد سه درصدی اقتصاد و افزایش تولید نفت مطرح کرد. با این حال، ابتکارات پر سر و صدا نظیر وزارت کارآمدی دولت دستاورد ملموسی نداشت و درآمدهای گمرکی با سد دیوان عالی مواجه شد. در نتیجه، کسری بودجه پیرامون سطح شش درصد تولید ناخالص داخلی منجمد ماند؛ سطحی که بالاترین میزان در شرایط صلح و فقدان رکود محسوب می‌شود. اقدام تاکتیکی بسنت

مسیر جایگزین صادرات نفت دوباره فعال شد



نخواهند کرد. به همین دلیل، بازگشت خط لوله شرق به غرب می‌تواند برای بازار اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. فعال شدن دوباره این مسیر، امکان انتقال نفت بیشتری به پایانه‌های صادراتی دریای سرخ را فراهم می‌کند و در صورت تداوم جریان صادرات، بخشی از محدودیت‌های عرضه را کاهش خواهد داد.

با این حال، وضعیت بازار نفت همچنان به تحولات ژئوپلیتیک منطقه، امنیت مسیرهای کشتیرانی و روند صادرات از تنگه هرمز وابسته است. در نتیجه، بازگشت خط لوله شرق-غرب اگرچه یک مسیر مهم صادراتی عربستان را احیا کرده، اما به‌تنهایی تمام ریسک‌های موجود در سمت عرضه نفت را برطرف نمی‌کند.

عربستان سعودی صادرات نفت از طریق خط لوله مهم شرق-غرب را پس از تعمیر آسیب‌های وارده در حملات پهپادی اوایل ماه جاری از سر گرفته است. یک منبع آگاه به عملیات این خط لوله به بلومبرگ گفته است که صادرات محموله‌های نفتی از این مسیر اکنون دوباره آغاز شده است.

بازگشت مسیر صادراتی مهم در میانه جنگ

خط لوله شرق-غرب که نفت را از مناطق تولیدی عربستان در شرق این کشور به پایانه‌های صادراتی در ساحل دریای سرخ منتقل می‌کند، برای ریاض اهمیت استراتژیک دارد؛ زیرا امکان صادرات بخشی از نفت را بدون عبور از تنگه هرمز فراهم می‌کند. این مسیر در جریان جنگ ایران و در شرایطی که نگرانی‌ها درباره امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز افزایش یافته بود، اهمیت بیشتری پیدا کرد. با این حال، عربستان طی ماه جاری بخشی از صادرات خود را نیز از مسیر تنگه هرمز افزایش داده است. بازگشت خط لوله شرق به غرب به مدار، در چنین شرایطی دسترسی عربستان به یک مسیر جایگزین برای صادرات نفت را دوباره برقرار می‌کند و انعطاف‌پذیری این کشور در مدیریت جریان صادرات را افزایش می‌دهد.

فشار تقاضای پالایشگاه‌ها برای نفت عربستان

ازسرگیری فعالیت این خط لوله در حالی رخ می‌دهد که خریداران نفت عربستان برای دریافت محموله‌های بیشتر تحت فشار قرار دارند. برخی مشتریان اروپایی حتی به تازگی مطلع شده‌اند که برای ماه آینده هیچ محموله‌ای از نفت عربستان در قالب قراردادهای بلندمدت دریافت

سود سرشار اقلیت برای واردات کالاهای لوکس

نه به واردات غیر ضرور؛ بپذیریم جنگ است



تورم سالانه به بالای ۶۸ درصد رسیده و شرایط دشوار معیشتی بر کسی پوشیده نیست. در همین شرایط عده‌ای اندک بدون توجه به اوضاع جامعه به دنبال کسب سودهای سرشار از طریق واردات کالاهای لوکس هستند و با اتکاء به انواع روش‌های سوداگرانه از سهمیه‌های خاص و ایرانیان خارج از کشور استفاده کرده و به واردات خودرو می‌پردازند. از سوی دیگر به بهانه بالا رفتن نرخ ارز؛ همین افراد در مدتی چند هفته‌ای قیمت خودروهای خارجی بازار را میلیاردها تومان افزایش داده و سودی مضاعف کسب می‌کنند. جالب اینکه افزایش نرخ ارز هم تا حد قابل توجهی تحت تاثیر فعالیت‌های این افراد رخ داده و بابت اینکه حجم قابل توجهی از ارز بازار آزاد برای خرید خودروهای خارجی صرف شده، بازار با فشار مواجه شده و قیمت‌ها سیر صعودی می‌گیرد.

حال در شرایطی که جنگ هنوز به پایان نرسیده و دولت درگیر معیشت مردم است و واردات کالای اساسی و دارو را به منظور جلوگیری از کمبود در بازار در دستور کار دارد؛ جای سؤال است که واقعا آیا برای تخصیص ارز کشور در این شرایط اولوی‌تی برتر از کالاهای لوکسی مانند خودروهای خارجی یا آیفون وجود ندارد؟!

ارز کشور صرف واردات چه کالاهایی می‌شود؟

اگرچه از بهمن ماه سال گذشته تاکنون آمارهای رسمی واردات و صادرات از سوی گمرک منتشر نشده اما آمارهای قبلی حاکی از آن است که در سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ طلا ذرت دامی و تلفن همراه در صدر کالاهای وارداتی بوده‌اند. بر اساس آمار گمرک، سهم شمش طلا از کل ارزش واردات ایران در سال ۱۴۰۴ بسته به بازه زمانی حدود ۶ تا ۷.۵ درصد بوده و در ۱۰ ماهه سال گذشته ۶۳ میلیارد دلار صرف واردات شمش‌های طلا شده است. البته این روند در سطح جهانی نیز وجود داشته و کشورهای متعددی اقدام به توسعه ذخایر طلای خود کرده‌اند. از سوی دیگر بخشی از این واردات در راستای رفع تعهدات ارزی صادرکنندگان بوده است.

همچنین در ده‌ماهه ۱۴۰۴، ۷ میلیون و ۴۹۸ هزار گوشی به ارزش یک میلیارد و ۴۵۷ میلیون دلار وارد کشور شده است؛ یعنی میانگین ارزش اظهارهای هر گوشی حدود ۱۹۴ دلار بوده که نشان می‌دهد بخش بزرگی از واردات در

رده قیمت اقتصادی و میان‌رده قرار داشته اند. نکته مهم آنکه طبق پژوهش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس از ۱۰۶ میلیون گوشی و تبلت فعال ثبت‌شده در کشور تا شهریور ۱۴۰۴، ۸۰ درصد دستگاه‌ها کمتر از ۳۰۰ دلار قیمت داشته‌اند، اما مدل‌های گران‌قیمت نیمی از کل ارز تخصیصی واردات گوشی را مصرف کرده‌اند. یعنی نیمی از ارز این حوزه صرف ۲۰ درصد گوشی‌های گران قیمت شده است.

سهم واردات خودرو

خودرو از کالاهای دیگری است که ارز قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. طبق آمار رسمی گمرک، در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴، مجموعاً ۵۰،۲۶۲ دستگاه خودروی سواری به ارزش یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون دلار وارد کشور شده است که این رقم در قیاس با مدت مشابه آن در سال ۱۴۰۳ حدود ۹ درصد از نظر تعداد و ۴۶.۷ درصد از نظر ارزش رشد داشته است. طی ماه‌های گذشته نیز در رسانه‌ها گزارش‌های مبنی بر ترخیص حجم قابل توجهی خودروی خارجی منتشر شده و واردات از طریق سهمیه ایرانیان خارج از کشور نیز تا پایان سال جاری تمدید شده است.

تجربه کشورهای مختلف از روزهای جنگی

اگر تجربه دنیا را هم در نظر بگیریم؛ در شرایط جنگ یا بحران، کشورها معمولاً برای حفظ ذخایر ارزی ترکیبی از کنترل خروج سرمایه، الزام

صادرکنندگان به فروش ارز، سهمیه‌بندی واردات، محدودسازی برداشت/انتقال ارز و اولویت‌دهی واردات ضروری را اجرا می‌کنند. نمونه مستند و روشن این سیاست‌ها روسیه پس از آغاز جنگ اوکراین در ۲۰۲۲ است که صادرکنندگان را موظف کرد ظرف سه روز ۸۰ درصد درآمد ارزی خود را بفروشند که بعدها این سقف به ۵۰ درصد کاهش یافت.

روسیه انتقال ارز به حساب‌های خارجی، پرداخت وام ارزی به غیرمقیمان و برداشت نقدی ارزی بالاتر از معادل ۱۰ هزار دلار را هم محدود کرد و بانک مرکزی روسیه برای مدتی به بانک‌ها دستور ندادن ارز به مشتریان خرد را اجرا کرد.

در جنگ جهانی دوم نیز بسیاری از کشورهای اروپا، خاورمیانه و آسیا محدودیت‌های وارداتی شدید و سهمیه‌بندی کالا را گسترش دادند. صندوق بین‌المللی پول گزارش می‌کند کشورهای در بحران شدید مانند اوکراین و ایسلند نیز کنترل بر خروج سرمایه ساکنان و غیرساکنان را اجرا کرده‌اند.

اوکراین در دوران جنگ، با محدودسازی انتقالات ارزی، کنترل قیمت ارز و اولویت‌دهی به پرداخت‌های حیاتی، تلاش کرد ذخایر ارزی را برای واردات سوخت، غذا و دارو حفظ کند. روند کلی مطالعات صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد کشورهای بحران‌زده بیشتر بر محدودسازی خروج سرمایه تمرکز می‌کنند و برای جذب ارز، محدودیت‌های ورود سرمایه را آسان‌تر می‌کنند.

بازسازی بنگاه‌های جنگ‌زده به منابع بانکی گره خورد

تسهیلات بانکی به‌تنهایی معادل ۵۷.۲ درصد خسارت است.

وقتی دامنه خسارت‌ها گسترده‌تر می‌شود، مسئله تأمین مالی نیز بیشتر به سیاست پولی گره می‌خورد؛ بانک مرکزی باید سرعت رشد نقدینگی و اعتبار را مهار کند، در حالی که بخشی از اقتصاد برای ایستادن دوباره روی پای خود به منابع بیشتری نیاز دارد. شبکه بانکی تا اینجا سهم قابل‌توجهی از منابع واحدهای کوچک را فراهم کرده، اما مرحله بعد به ۶۸ بنگاه بزرگی می‌رسد که مدنی‌زاده نیاز مالی آنها را بیش از هزار همت اعلام کرده است. برای تأمین این رقم، مجموعه‌ای از مسیرها در نظر گرفته شده و حدود ۱۸۰ همت نیز در قالب بخشودگی و معافیت مالیاتی پیش‌بینی شده است؛ در حالی که سهم نهایی هر کدام از مسیرهای تأمین مالی هنوز مشخص نیست. هرچه سهم شبکه بانکی از نیاز مالی این بنگاه‌ها بزرگ‌تر شود، بخش بیشتری از ظرفیت اعتباری بانک‌ها به بازسازی اختصاص پیدا می‌کند؛ ظرفیتی که هم‌زمان زیر محدودیت رشد ترازنامه قرار دارد و باید

شروط گمرکی برای ۳ ماه آینده

معاون گمرک ایران از تمدید بخشنامه تفویض اختیار به گمرکات اجرایی در شرایط خاص تا پایان آذر ۱۴۰۵ خبر داد. این تصمیم با هدف تسریع تشریفات گمرکی، کاهش مکاتبات و مراجعات به ستاد مرکزی و حمایت از صنایع و فعالان اقتصادی اتخاذ شده است.

براساس بخشنامه جدید، گمرکات اجرایی می‌توانند برخی امور مرتبط با ورود موقت خودروهای سواری، خودروهای دارای کارنه دویپاساژ، خودروهای دارای مجوز سازمان سرمایه‌گذاری و همچنین ماشین‌آلات راهسازی و معدنی را بدون دریافت مجوز مجدد از دفتر واردات انجام دهند. در برخی کالاهای مشمول نیز نامه فیزیکی وزارت صمت برای انجام تشریفات کافی خواهد بود.

در بخش صادرات نیز اختیار تمدید برخی پروانه‌های ورود موقت موضوع ماده ۵۱ قانون امور گمرکی برای سه ماه به گمرکات اجرایی واگذار شده است. همچنین امکان خروج موقت تریلر و نیمه‌تریلرهای فاقد شماره انتظامی تا پایان آذر ۱۴۰۵ تمدید شده و گمرکات موظف شده‌اند از مکاتبات غیرضروری پرهیز کنند.

ویدئو

